پرچم
«بنده و نویسنده کسروی تبریزی»

یك راز گفتنی !

آقای کسروی چندسال پیش که در دبیرستان گرگان مشغول تحصیل بودم مصادف بازمانی بود که ادبیات ایران را منحصر بیاوه گوئی‌های شعرای خراباتی آن میدانستم. چند نفر از رفقای مدعی گشایش خانقاهی شدند. باکمال خوشحالی پیشنهاد آنهارا پذیرفتم چه میدیدم حافظ میگوید: روضه خلد برین خلوت درویشان است . . .

مقدمات باسرعت چیده شد منزل یکی از آقایان که حجره مسجدی بود برای خانقاه انتخاب گردید.

شب اول شراب نابی بیاد خواجه صرف شد. قرار بر این گذاشتیم که دراویش هر یك دارای نام مخصوص که اول آن ش بوده باشند. شوریده، شیفته، شیدا (که نام من بود)، شبان!. چند حصیر وپوست در کف خانقاه انداخته وتبرزین و کشکولی هم بدیوار آویزان شود وچند جلد کتاب هم در کتابخانه خانقاه موجود باشد، دیوان حافظ، سعدی ودیوان مقدس حضرت ایرج میرزا ...

پس ازدوسه جلسه یکی ازدراویش که سنش بالغ بر چهل وهنوز زن اختیار نکرده بود یعنی همسان صاحب حجره آقای شبان در موقع مستی حرکات زشتی می نمود که قابل تحمل نبود. حق هم داشت چون شبان با چوپان اختیار دار گوسفندان بیچاره بود! واز کرامات این شخص حفظ بودن دیوان ایرج بود که باآواز خوش میخواند: دیشب دونفر از رفقا آمده بودند!..

خوشبختانه ما از آنشهر منتقل شدیم وخانقاه هم برچیده شد.

پس ازمدتی آقای شیفته که ازدوستان صمیمی من بود درازخانقاه را بامن درمیان نهاد و گفت:

چون تو دوستار ادبیات ودوستانت همه ساده دل وخواهان شعر وادب بودند خواستیم پای آنهارا بخانقاه بازکرده و بوسیله شمع ایشان محفل عشق را روشنی بخشیم !!

این است هم میهنان و دوستان خود را مخاطب ساخته میگویم از اینگونه صوفیگریها و درویشی ها بپرهیزید و باینگونه مجالس رسوا کننده پای نگذارید اشعار یاوه حافظ را از مغز بیرون کنید. و کتاب ننگین ایرج را بآتش اندازید. که این ها موجب بی غیرتی جوانان کشور است.

ممکن است در میان صوفیان احیانا یکنفر پاکدل پیدا شود. ولی بدانید در زیرکاسه نیم کاسه است.

دوستان من مخصوصا آقایان (ق و ص و ل) من دربیابان جهالت و گمراهی سرگردان بودم. نور چراغ پیشوای آزادگان چشم راخیره ساخت بدنبالش شتافتم دستم را گرفت و راه رستگاری و آئین زیستن را بمن آموخت اینك خود راسعادتمند میدانم. نخست درنادانی و گمراهی باهم دوست بودیم اینك بیائید در سعادت زندگی شریك شویم. اوسط

پرچم: اینداستان بیاد مامی‌آورد «انجمن سعدی» را که بیست وچند سال پیش چند تن از ادبای بزرگ تهران بنیاد گزارده و جوانان را بابنجا دعوت می کرده‌اند!

حافظ چه میگوید؟

(۶)

[illegible] نه خراباتیان میدان یافتند؟

[illegible] خراباتیان، در آمدن مغولان برای آنان گشایشی بود. زیرا [illegible] زمان باده سازی وباده فروشی خاص [illegible] زردشتیان و جهودان و مسیحیان بود که در درون شهر، بلکه در بیرون آن [illegible] میانه ویرانه ها، جایی می گرفتند [illegible] هم باده فروشی می کردند وهم چنك [illegible] چغانه راه می‌انداختند و بکتن خراباتی [illegible] میخواست. بگفته خودشان «لبی تر [illegible] و چنك و چغانه ای بشنود» می‌بایست [illegible] بیرون شهر رود، و بهرحال ازدست [illegible] مسلمانان ترسی هم داشت، و اگر کسی [illegible] خانه خود می‌ساخت چه بسا که گرفتار [illegible] محتسب می گردید که می بایست او خم [illegible] بشکند و ابن سراورا، و سخن بجاهای [illegible] دیگری کشد. ولی چون مغولان بایران [illegible] آمدند چون بهمه کیشها وبرای هر کاری [illegible] آزادی دادند آن رنجها از میان رفت، [illegible] میفروشان آزاد گردیده در میان شهر [illegible] میخانه بر پا کردند و آواز چنك و نای [illegible] بلند گردانیدند، بلکه زردشتیان و جهودان و مسیحیان که سالهای دراز [illegible] آسیب و آزار از مسلمانان دیده بودند، [illegible] بپشتگرمی آنکه مغولان بمسلمانان با [illegible] دیدهٔ تحقیر می‌نگرند بگستاخیهایی بر [illegible] خاستند، و روبه سرزنش و سرکوفت [illegible] بر های خود داده تا توانستند توهین و [illegible] دلآزاری بمسلمانان دریغ نگفتند. این [illegible] برای آنان خوشایند بود که خراباتیان [illegible] ان دریده بیباك را درمیخانه های خود [illegible] گرد آورند و آنان را مست گردانیده [illegible] «لاطایلاتی» که بنام ایراد بآفریدگار [illegible] آفرینش و توهین بمسلمانان می گفتند [illegible] گوش دهند و دل از کینه تهی گردانند [illegible] بود تا می توانستند اسباب خشنودی [illegible] آنان خراباتی را بیشتر فراهم می گردانیدند

از آنسوی این بسود مغولان بود [illegible] ایرانیان ستمدیده و آسیب یافته خود [illegible] بابا ده و چنك و چغانه سرگرم دارند [illegible] آن ستمها وآسیب ها را فراموش [illegible] کرده در اندیشه کینه جویی نباشند. [illegible] زیرا که آن باده خواری و سرگرمی [illegible] بدآموزیهای غیرتکش همچون بد [illegible] آموزیهای خراباتیان توأم باشد که خون [illegible] را یکبار از جوش اندازد و غیرت و [illegible] مردانگی را افسرده گرداند. این برای [illegible] مغولان بسیار سودمند بود.

یکدسته که بمردم درس داده می [illegible] گذشته وافراموش گردانیدو باندیشه [illegible] آینده نیفتید و تنها بآن کوشید که خوش [illegible] باشید، می گفتند: هر چه بسر آدمی [illegible] آید از خداست، می گفتند: کوشش [illegible] تلاش سودی ندارد — برای مغولان [illegible] بهترین یاورانی بودند که بیش از یك [illegible] سپاه کار می کردند. زیرا مغولان [illegible] آنهمه خونها در ایران ریخته و آن [illegible] دختران را به بردگی برده و سپس [illegible] زور دست یافته یوغ فرمانروایی خود [illegible] بگردن مردم بد بخت گزارده بودند، [illegible] نیازمند بودند که ایرانیان گذشته را [illegible] فراموش کنند و از آن خونها یادی ننمایند [illegible] آن دختر ها نامی نبرند و باندیشه [illegible] نیفتاده در آرزوی آزادی نباشند [illegible] هیچ کاری دخالت نکرده و سررشته [illegible] مغولان سپرده خود درمیخانه‌ها بخوشی [illegible] گذرانند، بسیار نیازمند بودند که ایرانیان [illegible] کار ها را از خدا دانسته و آسیب [illegible] را که دیده بودند از سرنوشت [illegible] دانسته کینه چنگیز و هلاکو را از دل [illegible] کنند.

برای مغولان چه لذتی داشت هنگامی [illegible] که می شنیدند که یکشاعری در ایران [illegible] چنین میگوید:

[illegible] با دوستان مروت با دشمنان مدارا / آسایش دو گیتی تفسیر این دو حرفست [illegible] دلان خلاف دشمن ودوست

که دل هردو در تصرف اوست

[illegible] چه لذتی داشت هنگامیکه می‌شنیدند که [illegible] یکی در باره کشتگان بمردم میگوید:

[illegible] نجاستی و مشتی رگ و پوست [illegible] انگار نبود این چه مغموم گشت [illegible]

چه لذتی داشت‌هنگامیکه می‌شنیدند یکمشت دیوانگانی بنام صوفیان هستند که میگویند خدا چنگیز خان را برای گرفتن خون شیخ مجدالدین بغدادی فرستاده بوده، یا می‌شنیدند که همان دیوانگان چون «عارفند»، ودیده شه شناس دارند که شاه را در هر لباس می‌توانند شناخت اینست مغولان آدمکش را «خدا» میشمارند، و یکی از پیرانشان چون مغولی رادیده مالیخولیایش گل کرده و گفته: «دراین رخت آمده‌ای که‌اشناسمت ؟!»

چه صوفیان وچه خراباتیان وچه شاعران هرچه میگفتند بسود آنان بود، و اینست من نمیدانم آیا مغولان اینهارا فهمیده و از روی فهم و بینش میدان بصوفیان و خراباتیان داده وبادست کار کنان خود بگستاخی و دلیری آنان افزوده‌اند، یا تنها بنام آنکه تعصبی نداشتند این میدان بدست صوفیان و خراباتیان افتاده.

هرچه هست داستان دلگدازشگفتیست که در هنگامیکه بیگانه بکشور درآمده و آن گزند و آسیب را رسانیده بود و می بایست مردان کاردان و غیرتمندی پابمیان گزارند و مردم را از نومیدی بازدارند [illegible] در چنان هنگامی صوفیان و خراباتیان [illegible]

ارزش اسکناس بایشتوانه نیست (۱)

تا سی و چند سال پیش از این، بازرگانان ایران، از برگزیده‌ترین تیره های ایران شمرده میشدند. زیرا با پیشانی باز پول بدست می‌آوردند و با پیشانی باز بکار می‌بردند، به کمچیزان و درماندگان دستگیری‌ها می‌نمودند. بکارهای تاریخی نیکی از ساختن پل و درآوردن چشمه و مانند اینها می‌پرداختند.

در جنبش مشروطه نیز اینان مردانگی بسیار نمودند و راد مردانه پولهای فراوان در راه جنبش بیرون ریختند. مشروطه بیش از همه باپول بازرگانان پیش رفته.

لیکن جای افسوست که امروز بازرگانان از نیکان شمرده نمیشوند، و در این سالهای آخر در نتیجه آزمندی و پولدوستی که از خود نموده اندر میان توده سخت بدنام شده اند. راستی را بیشتر آنان جز دربند پول نیستند و در این باره پروا از کسی و چیزی نمیدارند. از آنسوی دچار برخی لغزشهای مهمی هستند که آن مایه دیگری بزیانکاری آنان گردیده. من در اینجا از لغزش های آنان سخن می رانم:

این بازرگانان دارائی (بامال) تنها پول را میشمارند و اینست بارها دیده‌ام چون گفتگو از کالا فرستادن بار وبایش می‌آید و ما می گوییم: نباید هرکالایی را به بیرون فرستاد، آنها پاسخ داده می گویند: می فرستیم پول می‌آید و کشور توانگر می‌شود که پیداست دارائی یا ثروت جز پول را نمی شناسند؛ واین یك لغزش مهمی از ایشانست.

از آنسوی اینان در اسکناس اهمیت بسیاری به پشتوانه آن نشان میدهند و ارزش اسکناس را بسته بکمی یافزونی پشتوانه آن که زر و سیم وجواهرات است می‌شناسند، و اینست هر زمان که اسکناس تازه چاپ میشود اینان بیدرنگ نرخهای کالا ها را بالا می برند که اینهم لغزش دوم ایشان است.

ما چنانکه بار ها گفته ایم پول جز وسیله داد و ستد نیست و هیچ ارزشی خود آن ندارد. اینست هیچگاه نباید دارائی شمرد. دارائی در درجه نخست این آب و خاکست که خدا بما سپرده سپس نیز کالاهاست که میتوان دارائی شمرد.

این آب و خاك و هوا و تابش آفتاب که خدا بما سپرده ماهمه دربایست های خودرا از آن در می‌آوریم. اگر امروز همه پولهاییکه در ایرانست از اسکناس و زر وسیم و همچنین جواهراتی که‌داریم بیکبار نابود گردد چیزی از ما کم نخواهد شد و بگرسنگی نخواهیم افتاد. همینکه هستیم باز خواهیم بود. ولی اگر این زمین و آب و هوا و آفتاب را از دست دهیم از گرسنگی خواهیم مرد.

بار ها گفته‌ایم: اگر از مردم بپرسیم که‌ده دارائر است یا شهر؟.. خواهند گفت: شهر، زیرا در اینجا پول فراوانست، زر و سیم بسیار است، جواهرات و کالا های بازرگانی هست. لیکن اگر راستی را بخواهیم ده دارائر میباشد. بابت دلیل که ما اگر میانه ده و شهر را ببریم دهیان آزندی نخواهند رسید. ولی شهریان از گرسنگی خواهند مرد.

در دیده ما آزادگان، زر و سیم جز بهای فلزی خودرا ندارند. یکمن زر بیش از آن ارزش ندارد که یك سینی بزرگی یا تشتی از آن بسازند. یك برلیان یا زمرد جز سنك قشنگی نیست و بیش از آن ارزش ندارد که زنی بگردن آویزد یا بسینه بزند.

ولی از آن سوی آب و خاك در دیده ما ارجمند است که سرچشمه زندگانی توده میباشد اینست که می گوییم: باید ارج این نعمت خدادادی را دانست که هم به نگهداریش کوشید و دست بیگانگان را از آن دور داشت و هم بیش از این بآن پرداخت و بیش از این بهره برداشت.

بارها گفته ایم ایرانیان از دارائرین توده های جهانند. زیرا یك چنین آب و خاکی دارند که چنانکه حساب کرده ایم برای زندگانی دویست و پنجاه ملیون بلکه بیشتر کفایت دارد، و این یکی از خواستهای ماست که مردم را با رجشناسی از این سرزمین و بهره مندی از آن واداریم و بیاری خدا در این راه از کوشش دریغ نخواهیم گفت.

در اینجا گفتگو از آنست که خوانندگان معنی درست دارائی را بفهمند و این بدانند که پول دارائی نیست و نباید آن را دارائی شمرد. همین نشناختن معنی درست دارائی نه تنها نادانیست و شایسته کسی نمی باشد خود زیانهای بزرگی را در بر میدارد. در نتیجه همین ندانستن است که ایرانیان آن دلبستگی که به جواهرات وطلا های بانك می نمایند دهیکش را در باره آب و خاك نشان نمیدهند. در نتیجه همان ندانستن است که سرزمینی باین بزرگی و پاردهی دارند و باندازه نیازمندی بیست ملیون بهره از آن برنمیدارند.

از پرده‌پوشی چه نتیجه تواند بود؟..

چون درشماره ۲۱۷ پرچم در گفتاریکه در باره خرد نوشتیم گفتیم صوفیان نیز بخرد ارج نگزاردند واز جمله شعرمولوی را بگواهی آوردیم که میگوید: «پای استدلالیان چوبین بود» یکی بدستینه علی محمد پاکبین شرحی فرستاده که کوتاهشده آن اینست که مقصودمولوی خوار داشتن «عقلهای جزئی» فیلسوفان بوده وکاری با «عقل کل» نداشته است.

می گوییم: ما از اامکراربهایی که دیگران کرده‌اند بیزاریم. خوار داشتن خرد بهرعنوانی که باشد نشان بیخردیست وآنگاه این یك گزارش وعذر خواهیست که آقای پاکبین می‌نمایند. وگرنه ما نیك می‌دانیم که صوفیان ازخرد گریزان بوده‌اند واین یکی ازعنوانهای ایشان است که میگویند: «چون باخرد راه بحق توان برد اینست ما توسل بریاضت و کشف وشهود می کنیم». اینرا در کتابهاشان بارهای نوشته.

این یك شیوه‌ایست که ما از بسیاری می‌بینیم که ما چون ایراد بیکدسته ای می نویسیم آنان از راه پرده پوشی و انکار می‌آیند. ولی باید گفت این یك کوشش بیهوده‌است. مگر با پرده‌پوشی حقایق از میان میرود. باید کوشید واین دسته بندیها را ازمیان برد نه اینکه با پرده کشی کمك بپایداری آنها کرد.

میدان بزرگتری پیدا کرده بدانسانکه گفتیم بکار کوشیده‌اند.

از اینسو شیخ در خانقاه درویشان مفتخوار و بیعردرا بگرد خود آورده با آن ریش و پشم و با آن دلق پاره پاره پای میکوبیدند و دست می افشاندند و با صد تبختر نعره میزدند وچنین میخواندند:

این وجد وسماع ما مجازی نبود
این رقص که می کنیم بازی نبود
با بیخبران بگوی کای بیخبران
بیهوده سخن باین درازی نبود

از آنسوی رند در خرابات بعربده برخاسته فریاد می کرد:

ساقی بنور باده برافروز جام ما
مطرب بگو که کار جهان شد بکام ما
ما در پیاله عکس رخ یار دیده‌ایم
ای بیخبر ز لذت شرب مدام ما

بدبختان باصد بیهودگی روز می گزاردند و بدآموزیهای زهرناك خودرا بیرون میریختند و این شگفت که باهم راه رفته بیکرشته [illegible] در اینجاآنرا شرح دهیم .

از اینجاو از آنجا

شیخ مهدی واعظ

این یکی ازواعظانی بود که پیروی از دو سید می نمود و در آغازمشروطه درشهرها سخنانی می گفت و از اینرو بنام شده بود که در تاریخ مشروطه یاد کرده می شود

آیا جنگ بایران خواهد رسید؟

(۵)

گذشته ازاینها برفرض آنکه آلمان ها قفقاز دست یابند مدتی باید در آن جا درنگ کنند تا جای پای خود رااستوار گردانند وچاههای نفت را که ی گمان ویرانه اش بدستشان خواهد افتاد آباد گردانیده به بهره برداری پردازند. از آنسوی باید تکلیف جبهه های بالاتر وروسیه روشن گردد. زیرا از کناردریای شمال گرفته تاکنار دریای سیاه جبهه های جنگ وخونریزی در میان ۲ دولت برپاست، ودر بیشتر آنها آلمان ها حال دفاعی پیدا کرده اند که بهر حال بایددر بند آنها باشند. این دور ازخردودور اندیشیست که آن جبهه ها بهمین حال بماند وآلمان‌ها از قفقازهم گذشته بایران سرازیر گردند. از اینها گذشته چه بسا در سال آینده وعده جبهه دوم بکار بسته شود وانگلیس وامریکا از یکراه دیگری بآلمانها فشار آورند واین ناگزیر باعث کندی آنان در جبهه قفقاز خواهد بود اگرهم جبهه دوم باز نشود همان جبهه مصر که اکنون برپاست خود یك مایه گرفتاری برای آلمان میباشد وبهر حال آن جبهه تاثیری بسیار در کار قفقاز خواهد داشت.

گذشته از همه اینها چنانکه یکبار دیگر نوشته ایم ما گمان می کنیم آلمان ها چه برای استواری پای خود درقفقاز وچه برای بهره مندی های دیگری از دریای سیاه ناگزیرند که موضوع بغاز های داردانل را با دولت ترکیه بجایی رسانند، واینست آلمانها تا بآن موضوع نپردازند ازقفقاز باین سو نخواهند گذشت ما خشنودی نداریم که دولت همسایه ما گرفتار جنك گردد و جنك را برای هیچ کشوری آرزو نمی کنیم لیکن موضوع درخور چشم پوشی نیست. این بیگمان است که آلمان با ترکیه همیشه بدینسان بآرامش و خوشی راه نخواهد رفت، واین نیز کمتر گمان میرود که ترکیه گردن بدرخواستهای او گزارد، بلکه هیچ گمان نمیرود. اینست ما آینده ترکیه را باآلمان تاریك می بینیم.

کوتاه این سخنها آنکه آلمان برای رسیدن بقفقاز وجاگرفتن در آنجا به کوششهای بسیاری نیاز دارد، واین یك کار آسانی نیست. سپس نیز آلمان تا دیر زمانی در آنجا خواهد ایستاد تا بتواند به پیشرفت های دیگری پردازد.

اما اما چه بسا آلمان پس از گرفتن قفقاز (اگر بتواند و بگیرد) تا دیر زمانی حالت دفاعی بخود دهد وبآسیب هائی که در جنگهای گذشته دیده پرداخته وبجبران کوشد. چنانکه بارها گفته‌ایم آلمانها اگرچه پیش می‌روند وشهرها می گشایند. ولی این پیشرفت و شهر گشائی باتلفات بسیار گران بسر می آید و جوانان دسته دسته کشته می شوند وجاهای آنان باز می ماند. اینست چه آلمان وچه ایتالیا نیاز دارند که زمانی بیاسایند و بجبرانهائی کوشند.

رویهمرفته می‌توان گفت که گرفتن قفقاز (اگر رخ دهد) یك حد فاصلی در میان گذشته و آینده جنك خواهد بود و از اینروست که می گوییم کسانیکه می پرسند آیا جنك بایران خواهد رسید [illegible]

طلب یاوری

خوانندگان محترم موضوعی که در ذیل آمده است خواهشمندم بسنجید و خود داوری کنید که آیا ما دانش‌آموزان که تازه از دبستان بدبیرستان رفته‌ایم چگونه درسهایی را باید در فکر خود جای دهیم آیا ممکن است دانش‌آموزی که تازه از دبستان فارغ شده بتواند چهار صد صفحه تاریخ وسیصد صفحه جغرافی در فکر خویش جای دهد درست است هرکسی باید تاریخ و جغرافیا را بداند ولی آیا آن دانش آموزی که دیروز در دبستان حاضر کردن سی صفحه تاریخ برای او سخت و مشکل بوده چگونه درعرض نه ماه هفتصد صفحه تاریخ و جغرافیا و کتابهای زبان خارجه (انگلیسی وعربی) وکتابهای فیزیك وشیمی وطبیعی ازقرار زمین شناسی و بهداشت و خواندن کتابهای حساب و هندسه در ذهن خود باقی گذارد خدا گواه است که این امسال است ما دانش آموزان ۹ ماه تحصیل می نمائیم بیش از پنج یا شش ماه تدریس یکدقیقه اضافه چیزی یاد نمیگیریم لکن آقای دبیر دست آخر موقع امتحان از ما انتظار دارد تمام این یازده کتابی که وزارت فرهنگ تعیین نموده جواب دهیم باضافه چیزهائیکه خودش هم در عرض این چند ماه گفته است. نتیجه این حرفها این خواهد بود که ما دانش آموزان از اولیای فرهنگ استدعا می نمائیم که برنامه آسانتری برای ما تعیین کرده تا بتوانیم آنها را در فکر خود راه داده و بزودی بهم نوعان خویش کمکی نمائیم

از اهواز دبیرستان شاهپور ع - پارسی

پرچم: شکایت این نوجوان راست است. ولی باید دانست که این فرهنگ با آن برنامه اش جز برای فرسودن مغز های جوانان و بیکاره گردانیدن فهمها و خردهای ایشان نمی باشد. از نوشتن نیز چاره نخواهد بود باید برگرام فرهنگ بیکبار دیگر گردد، ما نوشته‌ایم که بدبیرستان نیازی نیست. جوانان که بدی فرهنگ را دریافته اند باید با ما همراهی نمایند که روزش برسد و این بدیها را از میان برداریم

اگر مقصود ایشان در آمدن آلمانها بایرانست باید پاسخ داد و گفت «باین زودیها نه!» باین زودی آلمانها دست بایران نخواهند داشت. اگر ما پیشرفت آنان را جاویدان بشماریم وگمان نبریم که این پیشرفت دیگر بایستد و بیش از این ادامه نیابد باز میانه ایران و آلمان فاصله بسیار است. راستست که سیاست آلمان درباره شرق روشن گردیده و بیگمان یکی از خواستهای ایشان سرازیر شدن بشرقست که باژاپون بهم بپیوندند و نتوان گفت که از این سیاست چشم بپوشند لیکن اختیار کار از هرباره در دست ایشان نیست. شما آلمان را هر چه می پندارید بپندارید بالاخره آدمهائی از زمین‌بشران می باشند و نه چنانست که یك نیروی فوق عدت داشته هرچه خواهند توانند. این باور های عامیانه را باید از مغزها بیرون گردانیم.

گزارش جهان

لندن — بقرار اطلاع خبرگزاری انگلیس هواپیماهای دشمن شب یکشنبه پس از غروب آفتاب دو نوبت بر جنوب خاوری انگلستان حمله کردند. در حمله اول موشك و در حمله دوم بمب ریخته شد شلیك شدید توپخانه ضد هوائی مانع عملیات هواپیماهای دشمن جلوگیری کرد.

مسکو — بقرار اطلاع خبرگزاری انگلیس اعلامیه نیمه شب شوروی مشعر برآنست که در سی ویکم اکتبر نیرو های شوروی در منطقه استالینگراد و در شمال خاوری توآپس و در منطقه نالچیك با دشمن در نبرد بودند در دیگر جبهه ها واقعه قابل ذکری روی نداده است اعلامیه تکمیلی شوروی هم اشعار میدارد در منطقه استالینگراد حمله دشمن دفع گردید و متجاوز از سیصد نعش آلمانی درمیدان جنگ بجا ماند. پانزده هواپیمای دشمن سرنگون گردید. در شمال باختری شهر نیروهای ما مواضع خود را مستحکم ساختند. در منطقه نالچیك نیروهای شوروی بزدوخورد های تدافعی پرداختند یك واحد شوروی چندین حمله پیاده نظام دشمن را که از طرف نیروی هوائی و چهل تانك پشتیبانی میشد دفع کرد. تنها شماره های افسر و سرباز کشته شده آلمانیها بالغ بر ششصد تن گردید. در اواخر روز آلمانیها مجددا بانیروی هنگفتی بحمله پرداخته داخل حومه های یك نقطه مسکونی شدند. در شمال توآپس نیروهای شوروی عملیات تهاجمی خود را تعقیب کرده و در یك نقطه مختصر پیشرفتی حاصل کردند و از یك رودخانه عبور کرده آلمانیها را ازمواضع خودشان بیرون کردند.

اداره — لاله‌زار کوچه مهران
تك شماره در همه جا ۵۰ دینار
چاپخانه تجدد ایران

تازه‌ترین خبر ها

جبهه خاور — بطوریکه خبر گزاری‌های انگلیس خبر میدهند زد و خورد های شدیدی که چند روز پیش در استالینگراد شروع شده بود ، اکنون خاتمه یافته و از حدت آن کاسته شده.

وضع استالینگراد بصورت چند روز قبل باقیست و تهدید سپاهیان محور هنوز مرتفع نشده و اوضاع بهمان وخامت باقیست .

روسها معتقدند که تنها عملیات سپاهیان مارشال تیمر شنکو یعنی آن دسته که از جنوب حرکت نموده و بیش از ۱۶ کیلومتر با استالینگراد فاصله ندارد ممکن است بهر حال هنوز تغییر عمده و قابل ملاحظه در این جبهه رخ نداده است .

هارلد سینك خبرنگار خبر گزاری انگلیس در باره عملیات آلمانها می نویسد که ، سپاهیان محور قصد دارند بهر وسیله که ممکن است شهر را بویرانه غیر قابل سکونتی تبدیل نمایند و از این نقطه نظر است که حتی موقعی که توپخانه‌ها و خمپاره انداز ها از شلیك خودداری مینمایند نیروی هوائی با بمباران سهمگین خود شهر را بلرزه درمیآورد .

هدف بمباران نیروی محور تنها راه ها و معابریست که منتهی برودولگاست و یا توقفگاههای ناوچه‌های حمل و نقل نیروست میباشد .

در جبهه قفقاز نیروی محور با حملات شدید خود هر چه بیشتر میکوشد که کار این جبهه را زودتر خاتمه دهد خبر گزاری های محور اعلام می دارند که در نالچیك موفقیت عمده یافته و نیروی شوروی را عقب زده اند ولی این خبر از طرف خبر گزاری های متفقین تائید نمیشود .

جبهه مصر — خبرنگار خبر گزاری انگلیس از قاهره راجع به اوضاع این جبهه مینویسد که :

پس از بمباران بسیار شدیدی که نیروی هوائی متفقین و توپخانه ارتش هشتم انجام دادند ژنرال مونت گمری بار دیگر حمله شدید خود را شروع نمود .

پیاده نظام نیروی انگلیس در اینکار بروز زد و خورد شدید بین نیروهای زره پوش طرفین مینهای پراکنده را که دشمن در جبهه پخش نموده جمع آوری کرده و تا آنجائی که میتوانند سعی بتخریب مواضع زره پوش دشمن مینماید .

ژنرال مونت گمری هنوز تانکهای خود را در احتیاط نگهداشته و امیدوار است که در نتیجه حمله در صورتی که ایجاد شکاف نیروی حریف تانکهای خود را برای عقب زدن دشمن و توسعه دادن به شکاف حادثه بکار اندازد این نکته را نیز فرمانده انگلیسی بخوبی میداند که مواضع نیروی محور فوق العاده مستحکم و سخت است و ادعای انهدام آن ها بهمین زودی ها غیر قابل قبول و آرزوهائی بچگانه است .

نیروی انگلیس در اینجا بواسطه اینکه نمی تواند محوریان را از شمال یا جنوب دور بزند مجبور است از رو برو حمله نماید و این حمله تنها موقعی توام با موفقیت خواهد بود که بتواند نیروی محور را بعقب راند تا تاکتیك همیشگی ژنرال رومل بهم خورد .

فعلا هیچ اطلاع تازه ای در خصوص خطوط مقدم نیروی طرفین نمیتوان داد تنها آینده است که باید در اینخصوص بما کمك نماید .

جبهه خاوردور — یك هواپیمای متفقین که هنگام پرواز بر فراز دریای جزایر سلیمان بعملیات اکتشافی مشغول بوده از طرف یازده هواپیمای شکاری ژاپن از نوع «او» که میخواستند آنرا سرنگون نمایند مورد حمله واقع شده است پس از چهل دقیقه رزم سه هواپیمای دشمن سرنگون گردید و هواپیمای متفقین ماموریت خود را انجام داده و صحیح و سالم بفرودگاه خود باز گشت .

لاله — سالاموا — یکواحد از بمب افکنهای متوسط متفقین میدان پرواز فرودگاه سالاموآ را بمباران کرده و با مسلسل بر چند ناحیه و ساختمانهای سالاموآ حمله نمودند .

رابااول — یکدسته دیگر از بمب افکنهای سنگین متفقین باهمکاری با حمله بر علیه بوئن فنزین بر ناوهای دشمن که در رابول لنگر انداخته بودند حمله نموده و بیستو یك بمب انفجاری بر آماجهای آن فرو ریختند . سرنشینان هواپیما های متفقین بر اثر وجود ابر نتوانستند نتایج حملات خود را بخوبی مشاهده نمایند با اینحال دیده شد بر دو ناو دشمن دو ضربت مستقیم وارد آمده و آنهارا طعمه حریق ساخته است احتمال میرود یك ناو دشمن نیز مورد اصابت بمب بزرگی واقع شده باشد . کلیه هواپیماهای متفقین صحیح و سالم بمراکز خود باز گشتند . سلسله جبال استانلی — نیروی هوائی متفقین باهمکاری نیروهای زمینی بر اراضی اشغال شده از طرف دشمن حمله نموده و آماجهای ژاپنی را بمباران نمودند .

بوا — بمب افکنهای متوسط متفقین بر تاسیسات دشمن حمله نمودند .

کوشش‌های سیاسی

عصمت اینونو رئیس جمهور ترکیه طی نطقی که بمناسبت افتتاح چهارمین مرحله ششمین دوره جلسات مجلس کبیر ملی ایراد نمود چنین اظهار داشت امسال جنك جهانی همچنان کشور ها را طعمه آتش ودچار خرابی نمود هیچ کشور و هیچ شهری که خود را برای مواجهه با آن آماده نساخته بود از شعله این آتش رهائی نیافت ولی در آینده حق زندگی مستقل برای هر ملتی در کشور خودش برسمیت شناخته خواهد شد .

ما همواره برای حفظ چنین اصلی تحمل زحمت نموده وسیاست خود را بر پایه آن استوار داشته ایم وبسیار خوشوقتیم که در پایان چنین جنك موحشی این سیاست بالاخره در جهان استوار خواهد گشت .

اکنون در بحبوحه این اغتشاش کمترین آثاری از حسن تفاهم بین طرفین متخاصم نمایان نیست وبالعکس اوضاع کنونی عقیده ما را تایید میکند باید که در سال ۱۹۴۳ جنك شدیدتر و بیرحمانه تر خواهد شد در سال آینده ما سیاست ملی داخلی وخارجی خود را با نهایت صداقت تعقیب نموده وبا جدیت هرچه تمامتر از آن دفاع خواهیم کرد ما بپیمانها وعهد نامه های مودت خود وفادار خواهیم ماند کوشش خواهیم کرد که داخل درهیچگونه دسته بندی نشویم هرگاه مجلس کبیر ملی این روش را تعقیب کنند سیاست بیطرفی کامل ما از هر حیث مطابق با مصالح کشور ما خواهد بود .

لندن (ارتور گرینوود) کارمند سامی حزب کار گر در مجمع اتحادیه صهیونیون بمناسبت بیست و پنجمین سال تنظیم اعلامیه بالفور که در لندن تشکیل یافت نطقی ایراد کرد و طی آن چنین اظهار داشت : ازجمله هدفهائی که برای صلح باید در نظر گرفته شود دادگری نسبت بملت یهود است که بااصول منشور اتلانتیك وفق میدهد . اگر بمجرد متارکه جنك مواعیدی که نسبت بیهودیان شده ایفا نشود باید نومید گردید و باید امیدوار باشید که ملت یهود مقامی را که شایسته احراز در حیات جهانی است دارا گردد . آنهائی که باروش ملایم ما ابراز مخالفت کردند اکنون سیاست ما را در باره فلسطین بدیدهٔ خوشوقتی مینگرانند . هرتز رئیس بزرك مذهبی یهود اظهار امید کرد که اظهارات چرچیل حاکی از آن است که زحمات و لطمات یهودیان فراموش نخواهد شد از دایره قول خارج شود و به مرحله عمل برسد . سروینه هم دیدز کیسر پیشین انگلیس مامور فلسطین اظهار داشت اعلامیه بالفور در حقیقت ابراز ندامتی بود نسبت باذیتها و آزارهای فراوانی که مسیحیان بیهود روا داشتند . ژنرال استمس طی پیامی که بمجمع اتحادیه صهیونیون فرستاده ایمان و عقیده خویش را نسبت بان اعلامیه اظهار داشته و گفته وعده ای که نسبت بیك کانون ملی داده شده بطور جدی ایفا خواهد شد و امیدوارم اوضاع پس از جنك اجرای این وعده را تقویت کند .

قابل توجه وزارت خواربار و اداره راه آهن

با آنکه موضوع کمیابی نان و زحمت و گرفتاری که از این راه برای مردم پدید آمده نه چندان کم و مختصر است که برای بخاطر آوردن آن نیازی بنوشتن گفتارهای بر جلب توجه وزارت خواربار باشد . لیکن از لحاظ مسئلهٔ که که بستگی تامی با امر نان دارد ومربوط بآن وزارت خانه است ناگزیر شدیم که گفتاری در این زمینه بنویسیم :

دور نیست که وزارت خواربار تاآنجائی که بتواند سعی خواهد نمود که باین کمی و بی ترتیبی نانوائیها و ازدحام مسابقه این چند روزه سرو صورت مرتبی دهد و تا آنجا که بتواند برای آسایش توده راهی انتخاب نماید که از این گرفتاری اندکی کاسته شود .

ولی موضوع مورد توجهی که در اینجا بآن برخورده‌ایم و ناچاریم که نظر آقای وزیر خواربار را بدان جلب کنیم اینست که با وجود اینکه هنوز بیش از سه روز از بیانات ایشان در مجلس شورای ملی راجع بسرکشی به دکانهای نانوائی و مرتب نمودن آنها و اطمینانی که درخصوص آینده داده‌اند نگذشته است . که دیده میشود عکس العمل نامناسبی برخلاف آنچه که عموم انتظار داشته‌اند مشهور شده بدین ترتیب که در این سه روزه وضع نانوائیها نسبت بسابق فوق العاده ناگوار تر و ازدحام مردم بیشتر شده و هر روزه صاحبان دکان های نانوائی باین عنوان که آرد تحویلی را پخته و مصرف کرده‌اند دکانهارا می‌بندند . معلوم نیست بالاخره برای جلوگیری از تقلبات نانو ها و رفتار ناپسند آنها چه اقدامی در نظر دارند و کی شروع خواهند نمود .

موضوع دیگر ورود آرد بشهر است برای خانواده‌هائیکه قبلا خریداری نموده یا جواز مربوط بآن راگرفته بودند .

این موضوع مسلم است که هرچه بیشتر اغنیاء و توانگران و کسانی که توانائی استفاده از نان آزاد یاخرید آرد گندم را داشته‌باشند و از نان شخصی استفاده نمایند، همان‌اندازه بصرفه دولت بوده وبهمان اندازه هم ازدحام نانوائیها کم میشود چند روز پیش ضمن آگهی که از طرف وزارت خواربار منتشر گردید بدارندگان پروانه آردو گندم اجازه داده شده بود که بدون آنکه احتیاجی بتصویب مجدد پروانه باشد پروانه را که در دست دارند تا آخر آبان دارای اعتبار خواهد بود و بتوانند هرمقداری که در پروانه‌های آنها قید شده آرد یاگندم برای مصرف شخصی یا عمومی طبق همان پروانه وارد شهر نمایند .

انتشار این آگهی در روزنامه از طرف وزارت خواربار امید جدیدی بود برای مردم و راهی بود که در ظاهر آن وزارت خانه جلو پای مردم گذاشته بود از اینکه لااقل هر کس بقدر توانائی خود خواربار خانواده خود را تامین نماید .

متاسفانه این آگهی وزارت خواربار بهیچ وجه مؤثر نشده بدین ترتیب که در عمل بشکاتی برخورد میشود که مخالف انتظار و منظور آنوزارتخانه است .

کسانی باین اداره آمده و شکایت مینمایند که مدتهاست از نقاط مختلف آرد یاگندم خریداری نموده‌اند و با در دست داشتن پروانه وحتی بار نامه اداره راه آهن موفق بورود کالای خریداری شده نمیشوند

اداره راه آهن گویا باین دلیل که از وزارت خواربار یا اداره اجرای قانون منع احتکار دستوری برای حمل و تحویل کالا های مزبور نرسیده از انتقال و تحویل آرد و گندم خریداری شده خودداری می نماید و اشخاص زیادی هستند که باداشتن بار نامه در دست هرروز باانبار اداره راه آهن مراجعه نموده و جواب صحیحی نمی شنوند واین موضوع کاملا مخالف منظوری است که وزارت خواربار داشته .

خوبست وزارت خواربار این نکته را روشن نماید که آیا چنین دستوری به اداره راه آهن داده شده است یانه اگر داده شده پس منظور از آن آگهی چه بوده ودر صورت دیگر این تعلل و تسامح اداره راه آهن و خودداری از رد کالا های مردم چه صورتی دارد ؟ .

گزارش کشور

خریداری بذر برای مناطق جنوب

راجع بخرید گندم بذر از هندوستان که در این اواخر خبرهائی در اطراف آن انتشار یافته بود این خبر را از وزارت کشاورزی بدست آورده‌ایم برای روشن شدن ذهن عموم انتشار میدهیم .

از دوهزار تن گندم که از هندوستان خریداری شده سیصد و پنجاه تن برای کشت در مناطق بوشهر — شبانکاره — حیات داود — دشتستان وریك و سی تن برای لارستان تخصیص داده شده و بقیه هم باین قرار بین سایر مناطق جنوبی توزیع خواهد شد .

خوزستان هزار وچهارصدوبیست تن

بندر عباس پنجاه تن .

کرمان صدو پنجاه تن

تاکنون دویست تن بذر به بوشهر رسید که برای توزیع آن تعلیمات کافی به استانداری و کشاورزی استان هفتم داده شده است .

معاون اداره نشریات و کتابخانه

آقای حسین رازانی رئیس اداره دفتر کل آمار و اطلاعات وزارت بازرگانی وپیشه وهنر بمعاونت اداره نشریات و کتابخانه آنوزارت خانه منصوب شدند .

آگهی

آگهی تحدید حدود ثبت املاك یك قسمت از قطعه چهار بخش یك شهرستان بهبهان .

در تعقیب آگهی شماره ۷۸۸ بموجب ماده ۱۴ قانون ثبت املاك تحدید حدود شماره های زیر

۵۸۷۷ — آقایان سهراب و محمد تقی اسعد شش دانك ده قلعه گلاب ۵۸۷۷/۱۹ آقای علیرضا خادمی اعیانی سه باب اطاق ۵۸۷۷/۲۲ و ۵۸۷۸/۲۲ و ۲۷ ر ۵۸۷۷ و ۵۸۷۷/۲۹ آقای علی خادمیان اعیانی ۷ باب اطاق و طویله و کاهدان در روز یکم و ششم آذرماه ۱۳۲۱

۵۸۷۹ آقایان سهراب و محمد تقی اسعد شش دانك ده مسگری ۵۸۷۹/۱۱ آقای علی خادمی اعیانی یکقطعه باغ ۵۸۷۹/۱۲ آقای علیرضا خادمی اعیانی یکقطعه باغ ۵۸۸۱ و ۵۸۸۲ و ۵۸۸۳ آقایان سهراب و محمد تقی اسعد شش دانك قریه های سر دشت وچم لطفعلی بیك و برج یوسفی در روز ۷ تا ۱۳ آذرماه ۱۳۲۱

۵۸۹۸ آقای محمد رضا قوام الدینی و حسین فرد بهبهانی شصت و چهارسهم و ۴/۵ سهم مشاع از نود و شش سهم شش دانك ده بیشه بالائی ۵۸۹۸/۱ و ۵۸۹۸/۲ و ۵۸۹۸/۳ و ۵۸۹۸/۵ و ۶ ر ۵۸۹۸ و ۸ ر ۵۸۹۸ و ۹ ر ۵۸۹۸ آقایان محمد رضاقوام الدینی وحسین فرد بهبهانی پنجاه و هفت سهم و ۳/۵ سهم مشاع از نود و شش سهم شش دانك اعیانی شش باب خانه و دوباب اطاق ۱۳ ر ۵۸۹۸ و ۱۷ ر ۵۸۹۸ آقای محمد رضا قوام الدینی اعیانی دو قطعه باغ

۵۹۰۰ آقای محمد رضا قوام الدینی و غیره شش دانك ده بیشه پائینی ۵۹۰۰ مکرر آقایان محمد رضا قوام الدینی و حسین فرد بهبهانی شصت و چهار سهم و ۴/۵ سهم مشاع از نود و شش سهم شش دانك یکقطعه زمین دیمی

۱ ر ۵۹۰۰ آقای سید نصرالله قوامی نژاد اعیانی یکبابخانه ۱ ر ۵۹۰۰ مکرر آقای محمد رضاقوام الدینی و غیره چهاردانك مشاع از شش دانك اراضی مشهور بپشت پروز برینه در روز ۱۴ تا بیستم آذر ماه ۱۳۲۱

۵۹۰۱ و ۵۹۰۲ آقایان سهراب ومحمد تقی اسعد شش دانك ده سعادت آباد وده قلعه کتیبی

۵۹۰۲/۹ آقا آقاجری اعیانی یکبابخانه ۵۹۰۲/۱۱ علی اکبر جاوید اعیانی یك باب دکان

۵۹۰۲/۱۲ سید عبدالله طیبی اعیانی یك باب اطاق

۵۹۰۲/۷۳ آقا آقاجری اعیانی یك قطعه باغ

در روز ۲۱ تا روز ۲۴ آذر ماه ۱۳۲۱ ۵۹۰۴ و ۵۹۰۵ و ۵۹۰۶ آقایان سهراب و محمد تقی اسعد شش دانك ده های آباد و محمود آباد و سلامه

۵۹۰۶/۱ آقای اسفندیار تیموری وغیره اعیانی یکبابخانه

۵۹۰۶/۳ و ۵۹۰۶/۵ میرزا اسلامی اعیانی یکبابخانه و یکباب اطاق

۵۹۰۶/۷ آقایان سهراب و محمد تقی اسعد اعیانی دو باب اطاق در روز ۲۵ تا ۳۰ آذر ماه ۱۳۲۱

۵۹۰۷ آقایان سهراب و محمد تقی اسعد شش دانك ده لنگیر بالائی

۵۹۰۷/۱۸ آقای محمد جواد موسویون و غیره اعیانی یکقطعه باغ

۵۹۰۷/۴۶ آقای مهراب کاظمی وغیره یکباب اسیاب در روز یکم تا سوم دی ماه ۱۳۲۱ درمحل شروع وبعمل خواهد آمد.

لذا بموجب ماده ۱۴ قانون ثبت املاك صاحبان املاك ومجاورین شماره های فوق الذکر بوسیله این آگهی اخطار میشود که در روز وساعت مذکور فوق در محل حضور بهمرسانند چنانچه هریك از صاحبان املاك یا نماینده قانونی آن ها در موقع تحدید حدود حاضر نباشند مطابق ماده ۱۵ قانون مزبور ملك آن ها با حدود اظهار شده ازطرف مجاورین وصاحبان املاك که در موقع مقرر حاضر نبوده اند مطابق مقررات ماده ۲۰ قانون ثبت املاك پذیرفته نخواهد شد .

رئیس ثبت اسناد واملاك بهبهان

ش ۱۱۶۱ مهدی چگنی

جای اداره — لاله‌زار کوچهٔ مهران
تلفون — ۶۰۲۶ تك شماره در همه جا ۵۰ دینار
چاپخانه تجدد ایران

پرچم

دارنده و نویسنده کسروی تبریزی

حافظ چه میگوید؟

(۷)

کشاکش صوفیان و خراباتیان